

پیوند وزن و محتوا در شعر مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز

نجمه دری*

دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان

سمیه رضایی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان

زینب رضایی

کارشناس زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان شیراز

چکیده

وزن شعر یکی از عناصر اساسی آن و عاملی بسیار مؤثر در خیال‌انگیزی کلام است. بی‌تردید، شاعر در قالبی از پیش تعیین شده به سرودن نمی‌پردازد؛ بلکه همه عناصر به‌دنبال محتوا و هماهنگی با مضمون شعر به‌وجود می‌آیند. ناهماهنگی وزن و محتوا می‌تواند دلیلی بر کوششی و ساختگی بودن آن باشد. شعر کودک نیز دارای ساختاری است که عناصر آن در کنار یکدیگر پدیدآورنده نظامی راستین‌اند و از میان شاعران کودک، کسانی موفق‌ترند که همه عناصر شعرشان متناسب با یکدیگر، به‌وجودآورنده آن نظام باشند. به‌منظور یافتن راز توفیق دو سراینده بنام در حوزه شعر کودک و نوجوان، مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز، در حجم چشم‌گیری از اشعار آنان میزان هماهنگی وزن و محتوا بررسی شد و سرانجام مقایسه‌ای میان آن‌ها صورت گرفت. یکی از رمزهای توفیق این دو شاعر کودک، هماهنگی میان وزن و محتوای اشعارشان است؛ زیرا درصد زیادی از آن اشعار با توجه به نوع وزن و مضمون شعر، دارای این هماهنگی هستند.

واژه‌های کلیدی: شعر، وزن، ناصر کشاورز، محتوا، مصطفی رحماندوست، هماهنگی.

* نویسنده مسئول: drdorri_3415@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۳۰

۱. مقدمه

وزن شعر همراه همیشگی شعر و جزء جداناپذیر آن از گذشته تا اکنون بوده است. وزن که عبارت است از وجود نوعی نظم در اصوات کلام، به سبب تأثیر خیال‌انگیزی که دارد حتی نزد منطقی هم جزو ماهیت شعر است. به علاوه، چون شکل و قالبی معین به کلام می‌بخشد، تناسبی در آن به وجود می‌آورد که موجب التذاذ است. مخصوصاً که شاید وجود این قالب تاحدی نیز کمک باشد، جهت فهم و ضبط معنا (زرین کوب، ۱۳۴۶: ۱۰۶).

شفیعی کدکنی تأثیرات وزن و عواملی را که از نظر او باعث می‌شوند موسیقی

بیرونی مهم‌ترین عامل شعر معرفی شود، در سه اصل خلاصه می‌کند:

- لذت موسیقایی به وجود می‌آورد و این در طبیعت آدمی است که خواه‌ناخواه، از آن لذت می‌برد و از طرف دیگر نیز چنان‌که یاد شد زبان عاطفه همیشه موزون است؛ زیرا آدمی در انفعالات روحی سخنش مقطع است و تکیه‌ها و ترجیع‌هایی دارد که آهنگش متفاوت است، هم از نظر صوتی و هم از نظر طولی [...].

- میزان ضربه‌ها و جنبش‌ها را منظم می‌کند.

- به کلمات خاص هر شعر تأکید می‌بخشد و امتیازی از نظر کشش کلمات ایجاد می‌کند (۱۳۷۳: ۴۹).

زمانی که شاعر قلم به دست می‌گیرد- اگر شعر او جوششی از درون ناآگاهش باشد- وزن و همه عوامل تشکیل‌دهنده شعر به دنبال محتوا بر زبان او جاری می‌شود، نه اینکه شاعر با قالبی از پیش تعیین شده، و وزنی معین و قراردادی مضمونی بسازد و سپس نامش را شعر بگذارد.

وزن در شعر جنبه تزئینی ندارد؛ بلکه یک پدیده طبیعی است برای تصویر عواطف که به هیچ‌روی نمی‌توان از آن چشم پوشید. علتش هم این است که عاطفه یک نیروی وجدانی است و آثاری نیز در جسم آدمی دارد که به‌هنگام خشم و شادی و اندوه آشکار می‌شود (همان‌جا).

بنابراین، موسیقی بیرونی شعر به دنبال احساس شاعر، بر زبان او جاری می‌شود و شعری که با وزنی قراردادی هویت شعری به خود گیرد، در بیشتر موارد، خام و فاقد شعریت و شهود است.

شعر کودک نیز مانند شعر بزرگسالان، دارای نظامی است؛ اما نظامی کودکانه دارد که باید عناصر آن به اقتضای نیاز کودکانه‌شان، در کنار یکدیگر سامان یابند. وزن در شعر کودک عامل بسیار مهمی است و بی‌شک در برانگیختن این مخاطبان کوچک نقش اساسی دارد.

با توجه به اینکه سه رکن اصلی در شعر کودک، ریتم، تخیل و ایجاد سؤال است، یقیناً با حذف وزن و ریتم از شعر کودک، قابلیت آوایی اثر که یکی از مهم‌ترین ملاک‌های شعر کودک است، از بین می‌رود و به نوعی کودک از این لذت محروم می‌شود (جلالی، ۱۳۸۹: ۸۱).

بی‌تردید، یکی از رمزهای کامیابی شاعران برجسته همین هماهنگی میان وزن و محتوای اشعارشان است و این عامل در مورد کودکانه‌سرایان برجسته نیز صادق است. با این پیش‌فرض، اشعار دو کودکانه‌سرای بنام، مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز، به منظور یافتن میزان هماهنگی میان وزن و محتوای اشعارشان بررسی و مقایسه شده است. نخست، حجم زیادی از اشعار این دو کودکانه‌سرا مطالعه و بحر و مضمون آن‌ها بر اساس درون‌مایه غالبشان استخراج شده؛ سپس از نظر میزان هماهنگی وزن و محتوا مقایسه شده‌اند.

محتوای اشعار با توجه به مضمون اصلی و غالب شعر به دست آمده است. برای برخی اوزان نیز به تناسب حسی که به مخاطب القا می‌کنند، نامی برگزیده شده است. پیرو گزینش و تقطیع اشعار دو شاعر کودک، وزن‌های به دست آمده با توجه به محتوای غالب اشعار، به دو گروه وزن‌های آرام و جویباری، و هیجان‌انگیز و شاد تقسیم شده‌اند. سرانجام، با کنار هم قرار دادن مضمون و وزن شعر در برخی نمونه‌ها، قضاوت نهایی به عهده خوانندگان نهاده شده است.

در شعری که در توصیف شب سروده شده و در آن از خواب، خستگی، سکوت و تاریکی سخن رفته، طبیعی است که این کلمات اندوه را القا می‌کنند و به یقین، نام وزن غمگین برای وزنی که این حال و هوا را به تصویر می‌کشد، انتخاب مناسبی است. زمانی که صبح است و در آسمان رنگین‌کمان برآمده و کودک در دنیای کودکانه خود در حال جست‌و‌خیز کودکانه است، بی‌شک نام محتوای شاد برازنده آن حال بیرونی است و

وزنی که برای این محتوا به کار گرفته می‌شود، طبیعتاً باید وزنی تند، شاد و پرچست‌وخیز باشد.

در شعر، برای بیان لحظه‌های خوشی از بیت‌های با حرکت تند، و سیلاب‌های بدون تکیه و همچنین مصوت‌های کوتاه استفاده می‌شود. در هر بیت نیز وزن ممکن است به‌هنگام تکیه روی یک ایده یا یک واژه تنها تغییر کند. در هر شعر، وزن می‌تواند آرام‌تر یا سریع‌تر شود تا حالت را تغییر دهد یا آهنگ را منتقل نماید. بهترین شعر، شعری است که در آن از وزن به‌منظور افزایش بار معنایی کلمات استفاده شود (سلاجقه، ۱۳۸۷: ۴۴۵-۴۴۶).

از آنجا که موضوع این گفتار شعر کودکان است، گاهی به‌جای استفاده از نام‌های معمول جویباری، خیزابی، ضربی و آهنگین، نام‌های شاد و غمگین به کار می‌رود. وزن‌های موجود در اشعار این دو کودکان‌سرا با توجه به غلبه روانی و خیزابی بودن آنها، به دو گروه وزن‌های آرام و غمگین، و شاد و هیجان‌انگیز تقسیم شده، پس از تعریف هریک، چند نمونه از آنها نیز تحلیل می‌شود.

درباره وزن شعر و هماهنگی آن با محتوا، شفیعی کدکنی (در موسیقی شعر)، پرویز خانلری (در وزن شعر)، فضیلت (در آهنگ شعر فارسی)، پورنامداریان (در گمشده لب دریا)، وحیدیان کامیار (در وزن و قافیه شعر فارسی) و... سخن گفته‌اند. درباره وزن اشعار کودکان به‌طور عام و شعر مصطفی رحماندوست و ناصر کشاورز به‌صورت خاص، و بررسی میزان هماهنگی آنها با محتوای اشعار تحقیقی جامع انجام نشده؛ اما در کتاب‌های نقد شعر کودک، مانند *از این باغ شرقی نوشته پروین سلاجقه (۱۳۸۷)* و *ادبیات کودکان و نوجوانان همراه با نقد و تحلیل نمونه‌های شعر و قصه اثر حسین قاسم‌پور مقدم (۱۳۸۷)* و... می‌توان به‌صورت پراکنده به مطالبی دست یافت. پژوهش حاضر به‌منظور بررسی گسترده‌تر اشعار این دو کودکان‌سرا صورت گرفته است.

۲. بحث و بررسی

چگونگی در کنار هم نشستن هجاها، اختلاف در نوع آنها، حتی چگونگی قرار گرفتن صامت و مصوت‌ها در کنار یکدیگر و... هرکدام پدیده‌آورنده خاصیتی دیگرگون در

وزن‌های متعدد عروضی هستند. این خاصیت فقط با محتوا یا مضامین خاصی تناسب دارد و فقط در کنار این مضامین است که نظام راستین شعر به مرحله فعلیت و ظهور می‌رسد. برای مثال، وزن تند- که مناسب مضامین شاد است- دارای ویژگی‌هایی است که وزن جویباری (آرام) فاقد آن است و این وزن محتوایی شاد می‌طلبد و فقط این هم‌نشینی است که می‌تواند حس شادی را که همان منظور شاعر است، به خواننده القا کند. «هریک از اوزان عروضی به سبب اختلاف در پایه‌های تکرارشونده، تناسبی مخصوص به خود ایجاد می‌کند که انگیزنده احساس و آهنگ‌مایه‌ای خاص است. طبیعی است که هر یک از این آهنگ‌ها برای بیان یک یا چند عاطفه همخوان و هم‌زمینه مناسب‌تر است» (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۹۶).

سرانجام، می‌توان استدلال کرد:

هجاهایی که دارای نظم زیر هستند، شادند:

مفتعلن (-۰۰-) دو هجای کوتاه، میان دو هجای بلند؛ مستفعلن (-۰۰-) دو هجای کوتاه بعد از دو هجای بلند؛ مفاعلن (-۰-۰) هجاها متناوب‌اند، و ابتدا هجای کوتاه.

اما هجاهایی با وزن زیر سنگین و ناشاد هستند:

فاعلاتن (-۰۰-) دو هجای بلند بعد از دو هجای کوتاه؛ فاعلات (-۰-۰) هجاها متناوب، و ابتدا هجای بلند (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۷: ۶۶).

اینک وزن‌های به‌کاررفته در اشعار این دو شاعر کودک بررسی می‌شود. به این دلیل که آوردن تمام شعرها در این مقاله نمی‌گنجد، به نمونه‌هایی برگزیده از میان آن‌ها بسنده می‌شود.

۲-۱. وزن‌های آرام و جویباری (غم‌آلود)

وزن‌هایی هستند که با شنیدن شعری که در قالب آن‌ها سروده شده است، نوعی سنگینی در کلام احساس می‌شود. روان و آرام هستند و با توجه به بسامد آن‌ها در میان اشعار، اغلب برای مضامین پند و اندرز، حکمت، گونه‌هایی از وصف، اشعار عارفانه، عاشقانه‌ها و... کاربرد دارند. در این‌گونه وزن‌ها، شور و هیجانی دیده نمی‌شود. گاهی

هم وزنی است که «از ترکیب افاعیل متنوع و ناهمسان تشکیل شده است؛ در نتیجه گوش از شنیدن آن‌ها احساس یک‌نواختی و استمرار می‌کند» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۳۴۲).

در برخی موارد، چگونگی هم‌نشینی هجاهای کوتاه و بلند در کنار یکدیگر کیفیت وزن را به وجود می‌آورد؛ گاهی نیز افزونی شمارگان هجاهای بلند و در کنار هم قرار گرفتن این هجاها به وجود آورنده چنین حال و هوایی در وزن است. «افزونی هجاهای بلند و کشیده از عواملی است که در کندی و سنگینی وزن مؤثر است. شاعران بزرگ در بیان حزن و اندوه خویش به این امر توجه کرده‌اند» (فضیلت، ۱۳۷۸: ۵).

پیش از این، بزرگان شعر و ادب درباره این وزن‌ها مطالب پراکنده‌ای بیان کرده‌اند. وحیدیان کامیار (۱۳۶۷: ۶۶) همه وزن‌ها را دسته‌بندی کرده و این وزن‌ها را نیز در گروه وزن‌های «سنگین و ناشاد» آورده است. «ابن‌سینا معتقد است که وزن می‌تواند "سبک" یا "سنگین و باوقار" باشد و این بستگی به نوع لحنی دارد که شاعر می‌خواهد آن را بیان کند» (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۷۸).

بیشترین استفاده دو شاعر از وزن‌هایی که در این گروه قرار دارند، به ترتیب بحرهای رمل، رجز و هزج است. در کتاب‌های بررسی شده، شانزده بحر در این گروه جای می‌گیرند. از آنجا که این دو کودکانه‌سرا بیشتر از طبیعت گفته‌اند، میزان استفاده از وزن‌های آرام و سنگین در اشعارشان زیاد است. شایان ذکر است که وزن در اشعار کودکانه با توجه به گروه‌های سنی به کار گرفته می‌شود و وزن‌هایی که در این گروه جای می‌گیرند، معمولاً برای گروه‌های سنی بالاتر استفاده می‌شوند. با توجه به بررسی انجام‌شده، کشاورز بیش از رحماندوست از وزن‌های این گروه استفاده کرده است. درخور یادآوری است که برخی وزن‌ها را هم می‌توان آرام خواند و هم تند و سریع ادا کرد و چگونگی خوانش شعر به مضمون آن بستگی دارد.

در شعر رحماندوست، وزن کلمات را به شاعر الهام می‌کند. برای مثال، رحماندوست در شعری با وزن «مستفعلن مستفعلاتن»، کلمات شب، خواب، قصه، خسته، ساکت و... را برمی‌گزیند که یادآور حس رخوت، سنگینی و ایستایی است و با مضمون خواب‌آلوده شعر همخوانی دارد:

تاریک شد، شب شد دوباره/ من قصه می‌گویم برایت/ تا اینکه خواب گرم و شیرین/ مهمان شود بر چشم‌هایت (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۲۳).

گاهی کلمات شب، تاریک، درخشیدن ستاره، ابر پاره‌پاره و خواب تداعی‌کننده نوعی احساس سنگینی و رخوت در کلام‌اند؛ بنابراین وزن سنگین «مستفعلن مستفعلن» می‌تواند تا حد زیادی این حالت را القا کند:

شب شد هوا تاریک شد باز/ چشمک زند بر من ستاره/ رخ می‌نماید ماه زیبا/ از زیر ابر پاره‌پاره (همان، ۲۹).

یا در شعری با وزن «فاعلات مفعولن»، ترکیبات و کلمات زیبای صدای آهسته، باد، لای‌لای آهسته، راه رفتن، قل‌قل چشمه، قصه گفتن، رقص باران، گام‌های موسیقی و نغمه بهاران دیده می‌شود که به شعر مضمونی لطیف می‌بخشد و این وزن آرام انتخاب مناسبی برای مضمون شعر است:

پیش از آن به گوشم خورد/ یک صدای آهسته/ مثل باد، با خود داشت/ لای‌لای آهسته
آن صدا به گوش من/ مثل راه رفتن بود/ مثل قل‌قل چشمه/ مثل قصه گفتن بود
(رحماندوست، ۱۳۷۹: ۱۴).

اینک در چند نمونه از اشعار، میزان هماهنگی وزن با محتوا بررسی می‌شود:

به مادر اخم کردم/ چرا شور است کوکوی؟/ به من خندید اما/ دلش رنجیده بود او (کشاورز، ۱۳۸۰: ۳).

ماجرای کودکی است که خاطر مادرش را آزرده و اکنون دل‌گیر است. راوی کودک است و آنچه می‌گوید حکایت اندوه کودکانه‌اش است. وزن آرام «مفاعیلن فاعولن» برای نشان دادن اندوه کودک انتخاب مناسبی است.

من تشنه‌ام تشنه/ من آب می‌خواهم/ یک رود بی‌تابم/ هر روز در راهم (همان، ۹).

محتوای این شعر حکایت چشمه‌ای است که دلش گرفته است و بغض دارد. چشمه تشنه و بی‌تاب است و ترس از خشکیدن دارد. وزن «مستفعلن فاعلن» می‌تواند مناسب چنین حالی باشد.

ناله برمی‌خیزد از/ قلب سرخ گورخر/ نوش جانم لااقل/ با دلم آهسته‌تر (کشاورز، ۱۳۸۶ الف: ۱۰).

شعر حال و هوای غمگینی دارد و درون‌مایه آن نشان ندادن ضعف است. وزن آرام و روان «فاعلاتن فاعلن» گزینش خوبی برای مضمون عاطفی طرح شده در شعر است. در ادامه، دسته‌بندی وزن‌ها در شعر دو کودکانه‌سرا می‌آید و برخی وزن‌هایی که در گروه وزن‌های آرام و ناشاد قرار می‌گیرند، بررسی می‌شود:

۲-۱-۱. بحر رمل

«این بحر از بحرهای عروضی مشترک در شعر فارسی و عربی است. اصل آن از فاعلاتن و از بحرهای متفق‌الارکان است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). با توجه به این بررسی، هشت بحر از این وزن در گروه وزن‌های آرام و روان قرار می‌گیرند: بحرهای «رمل مربع اصلم»، «رمل مربع محذوف»، «رمل مربع مخبون محذوف»، «رمل مربع مقصور مجحوف»، «رمل مسدس محذوف»، «رمل مربع محذوف مربع»، «رمل مربع مخبون» و «رمل مکفوف محذوف» که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

فاعلاتن فعلن (بحر رمل مربع اصلم): در این وزن، هجاها بیشتر بلند هستند و وزنی ناشاد و متناسب با مضامین معنوی و مفاهیم عمیق انسانی است:
 موتورش روشن شد / نعره‌اش راه افتاد / توی جنگل پیچید / بوی دود و فولاد (کشاورز، ۱۳۸۰: ۲۰).

شاعر ظلم انسان در حق طبیعت و بریدن درختان بی‌گناه را در قالب وزن «فاعلاتن فعلن» به تصویر کشیده است.

فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مربع محذوف):
 میوه آن در بهشت / ریشه آن در زمین / خوب فهمیدی، نماز / آفرین صد آفرین (همان، ۵).
 شعر تقریباً مضمونی عارفانه دارد. وزن «فاعلاتن فاعلن» به دلیل روانی آن، برای این مضمون مناسب است.

فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (بحر رمل مسدس محذوف): کلمات موج، آب، باد، سیلاب، دریا، خانه زیبا و... در شعری که به این وزن سروده شده است، روانی و جاری بودن را به ذهن متبادر می‌کند. «نزدیکی هجاها بلند و کشیده، و دوری هجاها کوتاه

کندی و سنگین بودن وزن تأثیر دارد و یکی از شگردهای شاعران بزرگ در بیان مضامین غم‌بار، فاصله انداختن میان هجاهاست» (فضیلت، ۱۳۷۸: ۵).

فاعلات فاعلن (بحر رمل مکفوف محذوف): در این وزن، هجاها به صورت متناوب می‌آیند و در ابتدای آن هجای بلند قرار می‌گیرد. این ترتیب به نظر وحیدیان کامیار، وزنی سنگین و ناشاد پدید می‌آورد. البته، وزن «فاعلات فاعلن» را می‌توان جویباری ادا کرد و هم با هیجان بیشتری خواند. لزوماً وزن شاد یا غمگینی نیست و می‌توان مضامین متنوعی را در قالب آن سرود:

می‌خورد به چشم تو / هرچه، هرکه، هرکجاست / آفریدگار آن / مهربان خدای ماست
(رحماندوست، ۱۳۶۳: ۱۳).

۲-۱-۲. بحر رجز

«یکی از بحرهای عروضی است که در شعر فارسی و عربی معمول و متداول است. اصل آن مستفعلن و از بحرهای متفق‌الارکان می‌باشد» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). بحرهایی که در گروه زحافات بحر رمل قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: «رجز یکرکنی مرفل»، «رجز مربع احد»، «رجز مربع مرفل»، «رجز مربع مقطوع»، «رجز مربع سالم» و «رجز یکرکنی سالم». اینک نمونه‌هایی از آن بررسی می‌شود:

مستفعلن (بحر رجز یکرکنی مرفل):

بر روی دوشش / یک تکه سنگ است / سنگی که شکش / خیلی قشنگ است (کشاورز، ۱۳۸۷: ۲).

این شعر با وزن (مستفعلن فع یا مستفعلاتن) و در وصف لاک‌پشت سروده شده است. این وزن، در گروه وزن‌هایی است که هم می‌توان آن را هم آرام و هم باشتاب و آهنگین ادا کرد.

مستفعلن فع لن (بحر رجز مربع احد):

بال و پرم کوچک / پا و نوکم زرد است / حس می‌کنم خیلی / دور و برم سرد است
(کشاورز، ۱۳۸۶ الف: ۲۰).

شعر در توصیف پنگوئن سروده شده است. وزن «مستفعلن فع لن» با حرکت پنگوئن و سردی و سکون حاکم بر فضای شعر تناسب دارد. کلمات سرد، زرد، یخ، برف، آب

سرد، ترس، یخبندان و... سردی و سکون را القا می‌کنند. این وزن برای مضامین شاد نیز وزن مناسبی خواهد بود.

مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مربع مرفل): افزونی هجاهای بلند در این وزن نوعی سنگینی در آن به‌وجود می‌آورد. بار معنایی کلماتی مانند، شب، قصه، خسته، ساکت، تاریک، خواب گرم و شیرین، مهمان شدن خواب بر چشم، درخشیدن ستاره، ابر پاره‌پاره و... در شعر رحماندوست، با این وزن هماهنگی دارد:

تاریک شد، شب شد دوباره / من قصه می‌گویم برایت / تا اینکه خواب گرم و شیرین / مهمان شود بر چشم‌هایت (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۲۳).

مفعولن مفعولن (بحر رجز مربع مقطوع): پشت سرهم آمدن مصوت‌های بلند و تکرار مصوت‌ها موسیقی در کلام را پدید می‌آورند؛ همچنین کوتاهی سطور که به تکرار آن در سطر بعد منجر می‌شود، موسیقی‌آفرین است. ازدحام ساکن‌ها و مکثی که در پایان هر مصراع وجود دارد، نیز می‌تواند تداعی‌کننده احساسی کودکانه باشد. از ویژگی‌های این وزن آن است که کودک کلمات را آرام و شمرده ادا می‌کند و تا تمام شدن هر مصراع، مکثی وجود ندارد. نظمی که در ترتیب قرار گرفتن صامت‌ها در کنار یکدیگر وجود دارد، نوعی موسیقی را پدید می‌آورد؛ اگرچه هیجانی در آن دیده نمی‌شود. «مفعولن فاعولن» وزنی کودکانه است که می‌تواند حس شادی را نیز منتقل کند:

شادی برای انقلاب و پیروزی [...] هم خانم می‌خندید / هم آقا می‌خندید / هرکس را می‌دید / در هر جا می‌خندید (رحماندوست، ۱۳۷۸: ۱۰).

مستفعلن مستفعلن (بحر رجز مربع سالم):
خرگوش گفت ای پادشاه / می‌دانم او الان کجاست / لطفاً بیا دنبال من / تقریباً او نزدیک ماست (کشاورز، ۱۳۸۳ الف: ۱۸).
مستفعلن (بحر رجز یک‌رکنی سالم):

باران! سلام / من آمدم / از توی خاک / بیرون زدم / چک‌چک بیا / با قطره‌هات / تا گل شوم / در زیر پات (کشاورز، ۱۳۸۶ ب: ۲۵)

شعر در وصف رویش گل پس از بارش باران است. وزن کوتاه «مستفعلن» به‌دلیل غلبه مصوت‌های بلند و مکث کوتاه هنگام ادای کلام پس از هر هجا، می‌تواند صدای

چک‌چک بارش باران روی زمین را القا کند. البته، این وزن با تندخوانی، قالبی برای مضامین شادتر نیز خواهد بود.

۲-۱-۳. بحر هزج

«از بحرهای عروضی مشترک در شعر فارسی و عربی است که از تکرار مفاعیلن به‌دست می‌آید و از بحرهای متفق‌الارکان محسوب می‌شود» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۳۹). بحرهایی که در این گروه جای می‌گیرند، عبارت‌اند از: «هزج مربع مکفوف محذوف»، «هزج مربع سالم» و «هزج مسدس محذوف». اینک به بررسی نمونه‌های یافته‌شده پرداخته می‌شود:

مفاعیلن فعولن (بحر هزج مربع مکفوف محذوف): به‌علت غلبه مصوت‌های بلند، وزنی متین و معناگراست:

به مادر اخم کردم / چرا شور است کوکو؟ / به من خندید اما / دلش رنجیده بود او (کشاورز، ۱۳۸۰: ۳).

مفاعیلن مفاعیلن (بحر هزج مربع سالم): وزنی آرام، روان و دل‌نشین است و برای مضامین عاطفی مناسب:

تو گاهی در خیال من / به‌شکل موج دریایی / کویری، کوه و صحرایی / گلی، خوش‌رنگ و زیبایی [...] کنار چشمه‌ها گاهی / تو را در آب می‌بینم / اگر در خواب هم باشم / تو را در خواب می‌بینم (همان، ۲۸).

مضمون شعر «رؤیت خداوند در عناصر طبیعت و تجلی او در مخلوقاتش» است. شاعر تجلی عظمت خداوند را در آفریدگانش می‌بیند. وزن «مفاعیلن مفاعیلن» متناسب با این مضمون است.

مفاعیلن مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدس محذوف): این وزن از اوزان دل‌نشین و آرام است که معمولاً همراه با مضامین متناسب با آن سروده می‌شود. «اوزان دل‌نشین و آرام که مناسب مضامین آرام‌بخش یا عاشقانه است: مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن، مفاعیلن مفاعیلن فعولن، مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن یا مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن» (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۴: ۷۴). شعری که با این وزن سروده شده است:

اگر تنها تر از آن تک درختی / که رسته در کویر خشک و بی آب [...] (کشاورز، ۱۳۸۰: ۱۶).

۲-۱-۴. بحر متقارب

«از بحرهای عروضی مشترک در شعر فارسی و عربی است که از تکرار جزء فعولن به وجود می آید. در زبان فارسی بیشتر برای سرودن منظومه‌های حماسی به کار رفته است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). یک شعر در بحر «مقارب مسدس محذوف» سروده شده است:

فعولن فعولن فعل (بحر مقارب مسدس محذوف):

تو الان کجا رفته‌ای / بیا شعر من را بخوان / ببین من چه خوریم بیا / نرو در دل من بمان
(کشاورز، ۱۳۸۰: ۱۶).

این شعر حکایت عاشقی است که اگرچه از معشوقش گله‌مند است، خواهان دیدار اوست. بادبادک عاشق صاحبش است. کودک او را رها کرده و با او قهر است؛ اما بادبادک می‌خواهد با کودک آشتی کند. این وزن می‌تواند القاکننده غم و اندوه باشد. مضمون این شعر نیز برای کودک غم‌آلود است.

۲-۱-۵. بحر مقتضب

«یکی از بحرهای عروضی در شعر فارسی و عربی است؛ اما وزن‌های آن در شعر فارسی کمتر معمول است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). فقط یک بحر «مقتضب مربع مطوی مقطوع» از زحافات بحر مقتضب در آثار بررسی شده یافته شد:

فاعلات مفعولن (بحر مقتضب مربع مطوی مقطوع): این وزن مانند دیگر وزن‌های بحر رمل روان و جویباری است. رحماندوست در اشعاری که در این وزن سروده، از کلماتی مانند صدای آهسته، باد، لای‌لای آهسته، راه رفتن، قل‌قل چشمه، قصه گفتن، رقص باران، گام‌های موسیقی، نغمه بهاران و... استفاده کرده است:

آن صدا به گوش من / مثل راه رفتن بود / مثل قل‌قل چشمه / مثل قصه گفتن بود
(رحماندوست، ۱۳۷۹: ۱۵).

۲-۱-۶. بحر مشاکل

«از بحرهای عروضی خاص شعر فارسی است. شمس قیس وزن فهلویات را آمیخته‌ای از متفرعات این بحر با بحر هزج دانسته است» (همان، ۲۸۴). از این بحر نیز فقط یک نمونه: «مشاکل مسدس محذوف» در میان اشعار یافته شد:

فاعلاتن فعولن فعولن (بحر مشاکل مسدس محذوف): مشاکل از بحرهای خاص شعر فارسی است. کلمات درخت، برگ، پاییز، مردن، بهار قیامت، سلامت و... در شعر «بهار تا قیامت» از رحماندوست- که تلمیحی است به آیه هفت سوره حج و شاعر مفهومی قرآنی را برای کودکان و نوجوانان به زبان شعر بازگفته- با چنین وزنی هماهنگ است. همان‌گونه که در نمونه‌ها دیده شد، وزن‌های به‌کاررفته تا حدود زیادی با دیگر عناصر شعر همخوانی داشتند. زمانی که شاعر در اندوه به‌سر می‌برد، در حالتی معنوی قرار دارد یا از زیبایی‌های طبیعت می‌گوید، وزن متناسب با این مضامین از میان دیگر وزن‌ها سربرمی‌آورد و لازم نیست شاعر با توجه به مضمون از پیش تعیین شده، به‌دنبال وزنی مناسب باشد.

۲-۲. وزن‌های شاد و آهنگین

وزن‌هایی را شاد می‌گویند که با شنیدن آن‌ها نشاطی در دل حاصل می‌شود و شخص به هیجان می‌آید. این افتانی و خیزانی در وزن را چگونگی قرار گرفتن هجاهای کوتاه و بلند در مصراع‌ها به‌وجود می‌آورد؛ برای مثال زمانی که هجاهای کوتاه و بلند با ترتیب خاصی پشت سر هم قرار گیرند یا هجاهای کوتاه بیشتر از هجاهای بلند باشند. همیشه تألیفی از الفاظ که در آن شماره نسبی هجاهای کوتاه و شدید بیشتر باشد، حالت عاطفی شدیدتر و مهیج‌تری را القا می‌کند و به‌عکس، برای حالت ملایم‌تر که مستلزم تأنی و آرامش هستند، وزن‌هایی به‌کار می‌رود که هجاهای بلند یا ضعیف در آن‌ها بیشتر باشد (خانلری، ۱۳۷۳: ۶۴).

عوامل بسیاری پدیدآورنده موسیقی و هیجان در کلام هستند که به‌صورت پراکنده در سراسر این گفتار از آن‌ها سخن گفته شد. عواملی مانند تساوی مصوت‌های کوتاه و بلند، درپی هم آمدن مصوت‌های کوتاه، نزدیکی آن‌ها، چگونگی قرار گرفتن مصوت‌ها

در کنار یکدیگر، کوتاه بودن وزن و تکرار ارکان، صامت‌ها و مصوت‌ها و... در جست‌وخیزی کلام و القای شادی به‌نوعی اثرگذارند. عوامل دیگری نیز در خود شعر نهفته‌اند.

نه تنها چگونگی قرار گرفتن هجاها در کنار یکدیگر، بلکه کوتاه و بلندی مصراع‌ها نیز در میزان القای حس غم و شادی مؤثرند. هرچه مصراع کوتاه‌تر باشد، لحن شادتری القا می‌شود.

در شعر به‌طور کلی و شعر کودک به‌ویژه، برای بیان لحظه‌های شادی و خوش‌حالی از بیت‌های با حرکت تند و مصوت‌های کوتاه استفاده می‌شود و عکس این قضیه، برای بیان لحظه‌های آرام و غمگین از بیت‌های متناسب با آن لحظه‌ها استفاده می‌شود (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۷۹).

استفاده از وزن‌های شاد و هیجان‌انگیز در اشعار کودکان، شایع‌تر از شعرهای بزرگ‌سالان است و به همین ترتیب، به‌کارگیری این وزن‌ها در شعر خردسالان در مقایسه با شعر کودکانی که در گروه‌های سنی بالاتری قرار دارند، رایج‌تر است. «وزن شعر کودک غالباً ضربی و طرب‌انگیز است و در هر مصراع دو رکن عروضی دارد» (جلالی، ۱۳۸۹: ۸۱).

وحیدیان کامیار و دیگران عنوان «اوزان شاد» را برای این‌گونه وزن‌ها آورده‌اند. «برخی از اوزان عروضی نویددهنده شادی و امیدند و بعضی دیگر مبین یأس و ناامیدی و مناسب رثا و فراق» (تجلیل، ۱۳۶۸: ۱۳ به نقل از کی‌منش، ۱۳۷۹: ۳۴۶).

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، بیست وزن در این گروه قرار دارند. بیشترین استفاده دو شاعر از وزن‌های این گروه، از بحرهای هزج، رجز و رمل است.

۲-۲-۱. بحر هزج

بحرهایی که در این گروه قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: «هزج مربع مقبوض محذوف»، «هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف»، «هزج مربع مکفوف محذوف»، «هزج یک‌رکنی اخرم»، «مربع اخرب محبوب» و «هزج مربع اخرب محبوب». اینک نمونه‌هایی از آن بررسی می‌شود:

مفاعیلن فعولن (بحر هزج مربع مقبوض محذوف):

سگه مواظبه که / گرگ‌های بدجنس نیان / بره ازش می‌پرسه: / «خبر داری از مامان؟»
(کشاورز، ۱۳۸۴ ج: ۷).

لاک‌پشت و دام آهو ماجراهای پرفرازونشیب موش بازی‌گوش، فعال و زرنگی است که کارهای مفیدی انجام می‌دهد و نویسنده از خلال این ماجراها، کودک را با جهان اطرافش آشنا می‌کند. شعرهای این مجموعه در وزن «مفاعیلن فعولن» سروده شده که وزنی کودکانه و مناسب است.

آهان شاید بخاری / روشنه، گرمه خونه / گرمش شده نمی‌خواد / تو این لباس بمونه
(کشاورز، ۱۳۸۳ ب: ۶).

در این کتاب (لباس بیرون، لباس خونه)، کارهای کودکانه با وزن رایج «مفاعیلن فعولن» به‌تصویر کشیده شده است. این وزن برای گروه سنی خردسال و کودک، به‌دلیل کوتاه و آهنگین بودن، مناسب است؛ چنان‌که بیشتر اشعار کودکانه در قالب این وزن سروده شده‌اند.

مفعول مفاعیلن فعولن (بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف):

ای دوست، کتاب، ای توانا / ای همدم هرکه هست تنها / ای راز بزرگ چشمه نور / ای یار
قدیم حال و فردا / (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۳۹).

کیفیت قرار گرفتن هجاها در برابر یکدیگر وزنی پرشور و حرارت پدید آورده است. نور، گرما، خورشید و تابش آفتاب، در شعرهایی که با این وزن سروده شده‌اند، القاکننده گرمی و حرارت هستند. این وزن به‌اعتبار صلابتی که در آن نهفته است، در توصیف بهترین دوست دیروز و فردا، یعنی کتاب، مناسب است.

مفاعیلن فعولن؛ مفاعیلن فعولن (بحر هزج مربع مکفوف محذوف): لزوماً وزن شادی نیست و برای مضامین مختلف می‌توان از آن استفاده کرد. کلمات بهاری دانه‌دانه، باران، گل‌دان، نم‌نم، دوستی دانه، کاشتن و... در شعرهایی که با این وزن سروده شده‌اند، با وزن تناسب لازم را دارند

مفعولن، مفعولن (بحر هزج مربع اخرم):

هو هو هو / این باد است / می‌گردد / آزاد است (کشاورز، ۱۳۸۷: ۲۴).

مفعول فعل؛ مفعول فع لن (بحر هزج مربع اخرب محبوب):

یک شاخه گل / بر بوته شکفت / تا باد وزید / چرخ می زد و گفت (رحماندوست، ۱۳۷۷: ۸).
این شعر ماجرای یک شاخه گل است که بر ره‌گذری روییده؛ باد بر او می‌گذرد، گل از او می‌خواهد به آهستگی بر سر او گذر کند تا مبادا پریز شود؛ باد هم به تقاضای گل، آهسته بر سر او می‌گذرد.

ماه‌گیر ما / توی اسکله / هم منتظر بود / هم بی‌حوصله (کشاورز، ۱۳۸۷: ۲۰).

۲-۲-۲. بحر رجز

بحرهایی که در این گروه قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: «منسرح مربع مطوی مکشوف»، «مربع مخبون مطوی»، «رجز مسدس مخبون مطوی مرفل»، «رجز مثنی مطوی مخبون» و «رجز مربع احد».

مفتعلن فعولن؛ مفتعلن فاعلن (بحر منسرح مربع مطوی مکشوف): از وزن‌های شاد و کودکانه، و برای سرودن داستان‌های مهیج مناسب است. بعضی از داستان‌های کتاب *قصه‌های دیروز، برای بچه‌های امروز* با این وزن سروده شده‌اند. آهنگین، ضربی و هیجان‌انگیز است و بسامد زیادی در اشعار کودکان دارد. برخی کلماتی که در اشعاری با این وزن دیده می‌شوند، عبارت‌اند از: رقص، قاصدک، خبر آوردن، رسیدن زمستان از بام و در، دانه، ریشه، یخ زدن، ویران شدن، سبز فکر کردن، بهار، سبزه به‌بار آمدن، شب، ستاره، روز تابیدن ماه و ...

مفتعلن مفاعلن (بحر رجز مربع مخبون مطوی):

غنچه خوب و نازنین / چرا چنین نشسته‌ای / بسته شده لبان تو / ساکت و دل‌شکسته‌ای (رحماندوست، ۱۳۷۹: ۴).

شعر حکایت سخن گفتن کودک با غنچه است. وزن آن تقریباً شاد و آهنگین است و متناسب با محتوا گزینش شده است:

پرنده قشنگ من / رو چوب نشسته می‌خونه / شعرها رو از بر بلده / با چشم بسته می‌خونه (کشاورز، ۱۳۸۶ الف: ۲).

این کتاب از زبان کودک، برای آموختن حس شنوایی به او نوشته شده است.

مفتعلن مفاعلن فاعلن (بحر رجز مسدس مخبون مطوی مرفل):

اولی گفت: ما زنبوریم، ویزوویز/ دومی گفت: نیش می‌زنیم، جیزجیز/ سومی گفت: می‌نشینیم روی گل (رحماندوست، ۱۳۸۳: ۳).

مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن (بحر رجز مثنی مطوی مخبون): وزنی کودکانه است که لحنی کودکانه ایجاد می‌کند و سبب پویایی و هیجان در کلام می‌شود. وزن به‌کاررفته در کتاب **بازی با انگشت‌ها** از خانواده همین وزن و زحاف‌های آن است: اولی گفت: وقت نماز بچه‌ها، وقت دعا/ دومی گفت: برای چی؟ چرا نماز؟ چرا دعا؟ (رحماندوست، ۱۳۸۳: ۱۰).

۲-۲-۳. بحر رمل

بحرهایی که در این گروه قرار می‌گیرند، عبارت‌اند از: «رمل مکفوف مجحوف»، «رمل مربع مخبون محذوف»، «رمل مثنی مربع» و... در ادامه، نمونه‌هایی از آن بررسی می‌شود:

فاعلاتن فع؛ فاعلاتن فع (بحر رمل مکفوف مجحوف): وزنی شاد، و برای وصف زیبایی‌های طبیعت مناسب است. مضمون اشعاری که با این وزن سروده شده‌اند، چنین است: خداوند خالق جهان است، اوست که جهان و جهانیان را با نظمی شگفت‌انگیز آفریده و همه عناصر طبیعت مانند خورشید، کوه، دشت، باغ، آسمان گل، ابر و... به فرمان اویند: با نظم و ترتیب/ هرچه، هرکجا/ کار لطف توست/ شکرست ای خدا (رحماندوست، ۱۳۶۳: ۱۳).

فاعلاتن فعلن (بحر رمل مربع مخبون محذوف): وزنی آهنگین و رقصان، همراه با حرکت و هیجان است. افزونی مصوت‌های کوتاه نسبت به مصوت‌های بلند در این وزن، شادی و حرکت را تداعی می‌کند:

شاد و سنگول دوتایی/ رو به‌سوی خانه‌شان/ این به آن می‌گفت عزیز/ آن به این، هاپ‌هاپوجان (رحماندوست، ۱۳۵۷: ۱۲).

۲-۲-۴. بحر مضارع

«یکی از بحرهای مشترک در شعر فارسی و عربی است. اصل آن چهار بار مفاعیلن فاعلاتن و از بحرهای مختلف الارکان است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۸۶). دو بحر «مضارع مربع اخرب محذوف» و «مضارع اخرب» در این گروه قرار می‌گیرند: مفعول فاعلن (بحر مضارع مربع اخرب محذوف، هزج مربع اخرب اشتر): با توجه به بررسی انجام‌شده، این وزن نه چندان شاد است و نه بسیار غمگین. هم می‌توان مضامین شاد را در قالب آن ریخت و هم مضامین ناشاد را با آن سرود. مفعول فاعلاتن؛ مستفعلن فعولن (مضارع اخرب): وزنی روان و کمی آهنگین است. می‌توان آن را استوار و همراه با صلابتی که به مضامین حماسی اختصاص دارد، ادا کرد.

۲-۲-۵. بحر متدارک

«از بحرهای عروضی مشترک در شعر فارسی و عربی است. اصل آن هشت بار فاعلن و از بحرهای متفق الارکان است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۶۶). دو بحر «متدارک مسدس مقطوع احد» و «متدارک یک‌رکنی سالم» در این گروه قرار می‌گیرند: فع لن فع لن فع لن فع (بحر متدارک مسدس مقطوع احد): سکونی که در پایان هر هجا وجود دارد، مکث‌گونه‌ای است که موسیقی در کلام را پدید می‌آورد. وزنی کودکانه و متناسب با موضوع است.

موسیقی به‌کاررفته در این شعر بریده‌بریده و از تکرار مصوت‌های بلند و گسسته فع لن فع لن سامان یافته است (بحر متدارک) که البته این نوع آهنگ و هارمونی چونان گام‌های موسیقایی کودک است که به‌هنگام حرکت و راه رفتن از آنان استفاده می‌کند (فاسم‌پور مقدم، ۱۳۶۷: ۲۳۰).

قافا قافالی قافاشو / می‌خوره نی‌نی غذاشو / شاد می‌کنه مامانو / می‌خندونه باباشو (رحماندوست، ۱۳۸۵: ۹).

فاعلن (بحر متدارک مربع سالم):

باز هم / شد سحر / شب شده / دربه‌در / ماهتاب / پر زده / آفتاب / سر زده (رحماندوست، ۱۳۷۷: ۷).

۲-۲-۶. بحر متقارب

فقط یک بحر «مقارب مربع مقبوض» دیده شد:

فعولن فعولن؛ فعول فعولن (بحر متقارب مربع سالم، مقارب مربع مقبوض):

لی لی لی لی نی/ عروسک چینی/ خیلی قشنگه/ بیا تا ببینی (رحماندوست، ۱۳۸۵: ۱).

۲-۲-۷. بحر خفیف

«از بحرهای عروضی مشترک در شعر فارسی و عربی است. اصل آن از فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن و از بحرهای مختلف الارکان است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). در این بررسی فقط یک بحر «خفیف مسدس مخبون محذوف» یافته شد:

فاعلاتن مفاعلهن فعلن (بحر خفیف مسدس مخبون محذوف): وزنی با شور و حال است که برای مضامین حماسی، توصیف و روایت وزن خوبی است. هم می‌توان آن را با صلابت و فخیم ادا کرد و هم شمرده و آرام خواند.

۲-۲-۸. بحر منسرح

«یکی از بحرهای عروضی است که در شعر فارسی و عربی مشترک است. اصل آن مستفعلن مفعولات و از بحرهای مختلف الارکان است» (میرصادقی، ۱۳۸۸: ۲۹۸). فقط یک بحر «منسرح مربع مطوی مکشوف» در این گروه قرار می‌گیرد:

مفتعلن فعولن؛ مفتعلن فاعلهن (بحر منسرح مربع مطوی مکشوف): رقص، قاصدک، خیر آوردن، رسیدن زمستان از بام و در، دانه، ریشه، یخ زدن، ویران شدن، سبزه فکر کردن، بهار، سبزه به بار آمدن، شب، ستاره، روز تابیدن ماه و... کلماتی هستند که در اشعاری با این وزن دیده شدند.

به جز وزن‌هایی که نام برده شد، اوزانی هم در اشعار دیده می‌شوند که تلفیقی از افاعیل عروضی هستند. شاعر وزن‌ها را می‌آمیزد و گاهی از وزن‌های هجایی به جای وزن‌های کمی استفاده می‌کند. در اشعار رحماندوست، قطعاتی که برای خردسالان سروده شده‌اند، این خصوصیت را دارند که در قالب خاصی نمی‌گنجند. افاعیل با هم

ترکیب می‌شوند و این ترکیب در نهایت نوعی موسیقی به وجود می‌آورد که خاص کودکان است.

عده‌ای از شاعران نیز تلاش کرده‌اند که وزن و ریتم را حفظ کنند، اما مانند شعر نیما در امتداد طولی آن دست برده و قافیه‌ها را به شکل دلخواه رعایت کنند. مصطفی رحماندوست، اسدالله شعبانی و جواد محقق فرم جدیدی از شعر ارائه داده‌اند که به سبک نیمایی نزدیک است (جلالی، ۱۳۸۹: ۸۱).

مانند این وزن: فاعلان (فاعِلن)، مفتعلن فاعِلن، مفتعلن مفتعلن فاعِلن، مفتعلن فاعِلن، فاعِلن، فاعِلن (فاعِلن):

جوی، جوی، / می‌گذرد کوبه‌کوی، / رقص کنان، زمزمه‌گر، پرشتاب، / تا که به یک رود شود
رویه روی، / جوی، جوی

که شامل بحرهای رمل مقصور، منسرح مطوی مکشوف، سریع مطوی مکشوف، سریع مطوی مکشوف، سریع مطوی مکشوف است. همان‌گونه که دیده می‌شود، وزن در سطور تغییر می‌کند. نخست، جوی، رود و آب- که مفاهیمی آرامش‌بخش هستند- با وزن مناسب خود یعنی «فاعلان» آمده‌اند؛ سپس وزن تند می‌شود، مصوت‌های کوتاه افزایش می‌یابند و زیاد شدن مصوت‌های کوتاه به وزن حرکت و نشاط می‌بخشد. کلماتی مانند رقص، شتاب، غرش، شور و... می‌توانند تداعی‌کننده این هیجان باشند. عواملی مانند کوتاه یک‌رکنی، سپس مربع، پس از آن مسدس و در نهایت تکرار وزن یک‌رکنی در رسانیدن معنای مورد نظر شاعر اثرگذارند؛ بنابراین شاعر وزن مناسب با اندیشه خود را یافته است. جوی‌به‌جوی، رقص کنان، زمزمه‌گر، پرشتاب، اندیشه، دریای دور، غرش و شور و سرود، فراز و فرود، رود، آرام، خواب، قصه پیوستگی، پویندگی، آب، حباب، کف‌به‌لب، رفتن و دریا شدن و... کلماتی هستند که در قالب این وزن سروده شده‌اند.

همان‌گونه که در نمونه‌های بالا دیده می‌شود، وزن اشعار با محتوای آن‌ها تناسب دارد. این همخوانی در دیگر اشعار این دو شاعر نیز به چشم می‌خورد. بعضی از وزن‌ها فقط برای مضامین شاد یا غمگین مناسب‌اند که شاعر نیز مضمونی متناسب با آن را برمی‌گزیند. برخی وزن‌ها را می‌توان به صورت آرام و باشتاب خواند و همین قابلیت وزن، سازگاری با مضامین متنوع را تضمین می‌کند.

از میان اشعار بررسی شده، فقط در چند قطعه که به عدد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد، میان وزن و محتوا هماهنگی چندانی دیده نمی‌شود؛ به این معنا که وزن این اشعار در تناسب کامل با محتوا انتخاب نشده است؛ اگرچه به تسامح می‌توان از آن‌ها چشم پوشید:

گر به حیوان عجیبی ست / نرم، مثل باد و ابر است / راه رفتن‌های گربه / مینیاتوری ز ببر
است (کشاورز، ۱۳۷۷: ۱۲).

وزن «فاعلاتن فاعلاتن» در این شعر غم و اندوه را القا می‌کند. شاعر می‌توانست وزن شادتری برگزیند. این شعر در مورد شیطنتهای گربه‌هاست و چنین مضمونی وزنی شاد می‌طلبد.

در شعری از کتاب *باغ مهربانی‌ها*، شاعر وزن «فاعلاتن فاعلاتن» را انتخاب کرده است که با مضمون شعرش هماهنگی چندانی ندارد:

چه کسی بود به هم زد / خواب طولانی ما را / ناگهان سرزده آمد / تق و تق کوفت به درها
(رحماندوست، ۱۳۷۷: ۱۴).

ماجرا این است که بهار از راه رسیده و شادی و نشاط را نیز با خود آورده است. آمدن بهار و کوفتن آن به در نوید شادی بخشی است. مضمون شعر شاد است؛ اما وزن آن با این مضمون هماهنگی لازم را ندارد. «هجاهایی با وزن زیر سنگین و ناشاد هستند: فاعلاتن (—۰—) دو هجای بلند، بعد از دو هجای کوتاه. فاعلات (—۰—) هجاها متناوب و ابتدا، هجای بلند» (وحیدیان کامیار، ۱۳۶۷: ۶۶). البته، ترکیب افاعیل نیز در ایجاد عاطفه اثرگذار است؛ برای مثال «فاعلاتن» همراه با «فعلن» وزنی شاد به وجود می‌آورد.

بهتر است با توجه به ویژگی‌های خاص کودکی، وزن‌هایی از اوزان رسمی برایش انتخاب شود که کوتاه و پرجنب‌وجوش و به‌طور کلی هماهنگ با بازی‌های جسمی و ذهنی او باشد و به شادی او بیفزاید. حتی اگر شعر کودک حزن و اندوهی را هم می‌خواهد بیان کند، وزن طوری نباشد که کودک را در غمی سنگین فروبرد؛ زیرا خواه‌ناخواه کودک در زندگی با ناملایمات به‌اندازه کافی روبه‌رو خواهد شد (محمدیگی، ۱۳۸۹: ۸۰).

با این همه می‌توان با تغییر موضع تکیه‌ها و کشیده و کوتاه کردن هجاها، شعر را تند یا آرام‌تر خواند؛ به‌ویژه در اشعار کودکان که تعداد افعیل کمتر است؛ اما در همه موارد امکان‌پذیر نیست.

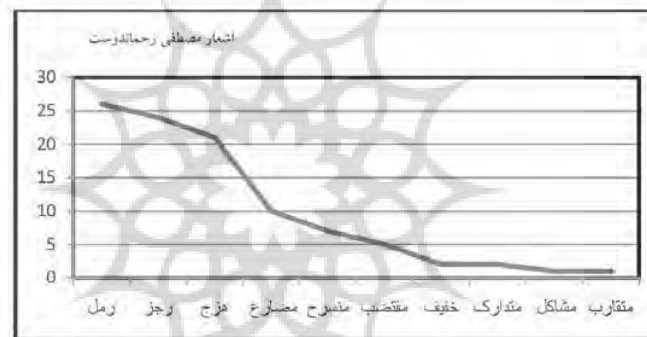
اطلاعاتی که در جدول زیر آمده است، دورنمایی از چگونگی کاربرد وزن در اشعار دو شاعر را نشان می‌دهد:

جدول ۱ کاربرد وزن در اشعار مصطفی رحماندوست

شماره	وزن	بحر	تعداد وزن‌های یافته شده
۱	مستفعلاتن	رجز یک‌رکنی مرفل	۱۲
۲	فاعلاتن فع لن	رمل مربع اصلم	۱۱
۳	مفاعلهن فعولن	هزج مربع مقبوض محذوف	۱۰
۴	مفعول فاعلاتن (مستفعلهن فعولن)	مضارع اخرب	۷
۵	مفتعلن فعولن (؟) و مفتعلن فاعلهن	منسرح مربع مطوی مکشوف	۵
۶	فاعلات مفعولن	مقتضب مربع مطوی مقطوع	۵
۷	مستفعلهن فع لن	رجز مربع احد	۳
۸	مفعول فاعلهن (مستفعلهن فعل)	مضارع مربع اخرب محذوف، هزج مربع اخرب اشتر	۳
۹	فاعلاتن فعلهن	رمل مربع مخبون محذوف	۳
۱۰	مفعول مفاعلهن	هزج مربع اخرب	۳
۱۱	مستفعلهن مستفعلهن	رجز مربع سالم	۳
۱۲	فاعلاتن فع (فاعلات فع)	رمل مکفوف مجحوف	۲
۱۳	فاعلات فاعلهن	رمل مکفوف محذوف	۲
۱۴	فاعلاتن مفاعلهن فعلهن	خفیف مسدس مخبون محذوف	۲
۱۵	مستفعلهن مستفعلاتن	رجز مربع مرفل	۲

۱۶	مفاعیلن مفاعیلن	هزج مربع سالم	۲
۱۷	مفعولن مفعولن	رجز مربع مقطوع	۲
۱۸	فاعلاتن فعلن	رمل مربع مخبون محذوف	۱
۱۹	فاعلن فعل	رمل مربع محذوف مربوع	۱
۲۰	مفعول مفاعلن فاعولن	هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف	۱
۲۱	مفاعیلن مفاعیلن فاعولن	هزج مسدس محذوف	۱
۲۲	فاعلاتن فاعولن فاعولن	مشاکل مسدس محذوف	۱
۲۳	فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف	۱
۲۴	مستفعلاتن مستفعلاتن	رجز مربع مرفل	۱
۲۵	مفاعیلن فاعولن (مفاعیل فاعولن)	هزج مربع مکفوف محذوف	۱
۲۶	فع لن فع لن فع لن	متدارک مسدس مقطوع احد	۱
۲۷	مفعولن	هزج یکارکنی اخرم	۱
۲۸	مفتعلاتن	رجز یکارکنی مطوی مذال	۱
۲۹	فاعلن	متدارک مربع سالم	۱
۳۰	فاعلاتن فاعلاتن	رمل مربع مخبون	۱
۳۱	مفعول فعل	هزج مربع اخرب محبوب	۱
۳۲	مفتعلن مفاعلن	رجز مربع مخبون مطوی	۱
۳۳	مفعول فعل (مفعول فع لن)	هزج مربع اخرب محبوب	۱
۳۴	فعل فعل فعل فعل	رمل مثنی مربوع	۱
۳۵	مفتعلن مفاعلن فاعلن	رجز مسدس مخبون مطوی مرفل	۱
۳۶	مفتعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن	رجز مثنی مطوی مخبون	۱
۳۷	فاعولن فاعولن	مقارب مربع سالم	۱
۳۸	فاعلان فاعلن مفتعلن فاعلن فاعلان فاعلن		

		مفتعلن فاعلن...	
		مفعول مفعولن مستفعلن مفعولن	۳۹
		فاعلان (فاعلن) مفتعلن فاعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن فاعلان (فعلن)	۴۰

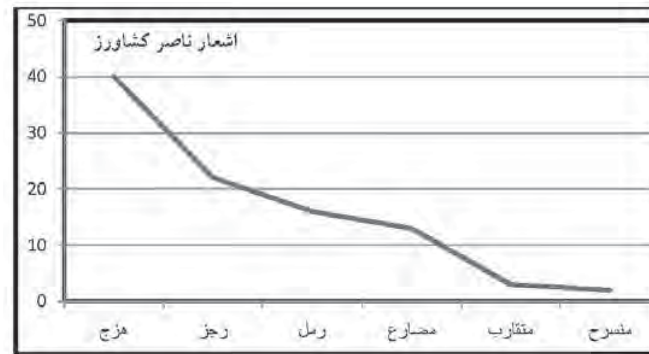


شکل ۱ نمودار میزان استفاده رحماندوست از بحرهای مختلف عروضی

جدول ۲ کاربرد وزن در اشعار ناصر کشاورز

شماره	وزن	تعداد وزنهای یافته شده
۱	مفعول فاعلاتن	۱۳
۲	مفاعیلن فعولن	۱۳
۳	مستفعلناتن	۱۲

۴	مفاعیلن فعولن	هزج مربع محذوف	۸
۵	مستفعلن فع لن	رجز مربع احد	۸
۶	فاعلاتن فع لن	رمل مربع اصلم	۷
۷	فاعلاتن فاعلاتن (فاعلن)	رمل مربع سالم (محذوف)	۵
۸	مفاعلن مفاعلن	هزج مربع مقبوض	۵
۹	مفاعیلن مفاعیلن	هزج مربع سالم	۳
۱۰	فعولن فعولن فعل (فعول)	متقارب مثنی محذوف (مقصور)	۳
۱۱	فاعلات فاعلات فاعلن	رمل مسدس مقصور محذوف	۲
۱۲	مفتعلن فاعلن	منسرح مربع مطوی مکشوف	۲
۱۳	مستفعلن مستفعلاتن	رجز مربع مرفل	۱
۱۴	فاعلات فع	رمل مربع مقصور مجحوف	۱
۱۵	مستفعلن مستفعلن	هزج مربع سالم	۱
۱۶	فاعلات فاعلن	رمل مربع مقصور محذوف	۱
۱۷	مستفعلن	رجز یک رکنی سالم	۱
۱۸	مفعول مفاعیلن	هزج مربع اخب	۱



شکل ۲ نمودار میزان استفاده ناصر کشاورز از بحرهای مختلف عروضی

۳. نتیجه

در این مقاله، اشعار دو کودکانه سرای برجسته (۱۰ کتاب از رحماندوست که بیش از ۹۰ قطعه شعر را دربردارد و ۲۵ جلد کتاب از کشاورز که شامل ۹۱ قطعه شعر است.) بررسی شد. پس از استخراج وزن و بحر و تأمل در مضامین اشعار، با توجه به معیارهای علمی که به صورت مدون در کتاب‌های عروض فارسی ثبت شده‌اند، میزان هماهنگی وزن و محتوای اشعار آن‌ها بررسی شد و این نتیجه به دست آمد که در اشعار این دو شاعر، دو عنصر وزن و محتوا هماهنگی لازم را داشتند. اشعار به دو گروه وزن‌های شاد و خیزابی، و آرام و جویباری تقسیم شدند. البته، بیشتر وزن‌ها به اعتبار کوتاهی وزن، دارای آهنگ و موسیقی کودکانه بودند و بیشتر نمونه‌هایی که در گروه وزن‌های آرام قرار می‌گیرند، برای مضامین شاد نیز اوزان درخوری بودند؛ زیرا وزن قابلیت مضامین گوناگون را در خود داشت. در برخی موارد احراز عنوان وزن آرام، در مقایسه با وزن‌های شاد صورت می‌گرفت؛ زیرا وزن آرام در مقایسه با وزن‌های آهنگین کودکانه، دارای آرامش بیشتری بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در شعر رحماندوست ۴۱ وزن در گروه وزن‌های شاد و ۵۴ قطعه در گروه وزن‌های آرام و روان قرار دارند و در شعر کشاورز ۲۹ وزن در گروه اوزان شاد و ۶۲ وزن در گروه

وزن‌های آرام و روان هستند. وزن‌های شاد در شعر رحماندوست بیشتر و در شعر کشاورز کمتر استفاده شده و تنوع وزن‌های شاد در شعر رحماندوست بیشتر از کشاورز است؛ همان‌طور که تنوع وزنی در اشعار او از کشاورز بیشتر است. حجم بسیاری از اشعار کشاورز از بحرهای هزج و رجز انتخاب شده است. درخور ذکر است که مضمون غالب در شعر هر دو شاعر، مربوط به عناصر طبیعت است.

منابع

- پورنامداریان، تقی (۱۳۸۲). *گمشده لب دریا، تأملی در معنی و صورت شعر حافظ*. تهران: سخن.
- جلالی، مریم (۱۳۸۹). «اوزان عروضی در شعر کودک». *کتاب ماه کودک و نوجوان*. ش ۱۵۹. صص ۷۹-۸۲.
- خانلری، پرویز (۱۳۷۳). *وزن شعر فارسی*. تهران: توس.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۴۶). *شعر بی‌دروغ، شعر بی‌نقاب، شامل بحث در فنون شاعری، سبک و نقد شعر فارسی، با ملاحظات تطبیقی و انتقادی راجع به شعر قدیم و شعر امروز*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات محمدعلی علم‌ی.
- سلاجقه، پروین (۱۳۸۷). *از این باغ شرقی (نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان)*. چ ۲. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۳). *موسیقی شعر*. چ ۴. تهران: آگاه.
- فضیلت، محمود (۱۳۷۸). *آهنگ شعر فارسی (وزن، قافیه و ردیف)*. تهران: سمت.
- قاسم‌پور مقدم، حسین (۱۳۸۷). *ادبیات کودکان و نوجوانان همراه با نقد و تحلیل نمونه‌های شعر و قصه*. چ ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی آیندگان.
- کی‌منش، عباس (۱۳۷۹). «تحلیل اوزان عروضی دیوان منوچهری دامغانی و تعیین بحر آن و همخوانی اوزان با موضوعات». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شیراز*. ش ۱۵۵. صص ۳۳۵-۳۵۶.
- محمدبیگی، ناهید (۱۳۸۹). *رازکاوی ادبیات کودک و نوجوان: تحلیل محتوایی کتاب کودک، قصه و شعر، بازسختی از دکتر قدمعلی سرامی*. تهران: ترفند و سی‌برگ.

- میرصادقی، میمنت (۱۳۸۸). *واژه‌نامه هنر شاعری، فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن*. ج ۴. تهران: کتاب مهناز.
- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۷). *وزن و قافیۀ شعر فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

منابع کودک

- رحماندوست، مصطفی (۱۳۵۷). *سگی بود جنگلی بود*. گروه سنی «ب». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۶۳). *چشمه نور*. گروه سنی «ج» و «د». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۶). *دوستی شیرین است*. ج ۳. تهران: مدرسه.
- _____ (۱۳۷۷). *باغ مهربانی‌ها*. برای دانش‌آموزان ۹ تا ۱۲ ساله. ج ۷. تهران: مدرسه.
- _____ (۱۳۷۸). *بابا آمد، نان آورد*. گروه سنی «ب». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۹). *فصل بهار بنویس*. گروه سنی «ج». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۰). *قصه‌های دیروز برای بچه‌های امروز، بیست افسانه ایرانی*. تهران: نشر افق.
- _____ (۱۳۸۲). *درسی برای گنجشک*. گروه سنی «ب». ج ۱۱. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۳). *بازی با انگشت‌ها*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۸۵). *ترانه‌های نوازش*. گروه سنی «الف». تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- کشاورز، ناصر (۱۳۷۷). *میوه‌هایشان: سلام: سایه‌هایشان نسیم*. تهران: قدیانی.
- _____ (۱۳۷۸ الف). *سیب جان سلام*. تهران: کانون پرورش فکر کودکان و نوجوانان.
- _____ (۱۳۷۸ ب). *مهمان‌های زمستانی*. قصه منظوم. تهران: قدیانی، کتاب‌های بنفشه.
- _____ (۱۳۷۹ الف). *از همه بهتر مامان منه*. تهران: نسل نو.

- _____ (ب. ۱۳۷۹). *نی‌نی کوچولو گل پسره با خنده‌هاش دل می‌بره*. تهران: رویش.
- _____ (۱۳۸۰). *سبز تر از درخت. گروه سنی «الف» و «ب»*. تهران: محراب قلم.
- _____ (الف. ۱۳۸۳). *خرگوش و جنگ شیرها*. تهران: نشر افق.
- _____ (ب. ۱۳۸۳). *لیاس بیرون، لیاس خونه*. تهران: قدیانی.
- _____ (الف. ۱۳۸۴). *کلاغی و کلاغی بود*. تهران: نشر افق.
- _____ (ب. ۱۳۸۴). *ترانه‌های شیموشیمو (شیمو یه دامپروره)*. تهران: پنجره.
- _____ (ج. ۱۳۸۴). *لاک پشت و دام آهو*. تهران: نشر افق.
- _____ (الف. ۱۳۸۵). *چاقاله بادوم تنبل، رفته کلاس اول*. تهران: قدیانی، کتاب‌های

بنفشه.

- _____ (ب. ۱۳۸۵). *چاقاله نگو یه دسته گل، بانمک و تپل میل*. چ ۵. تهران: قدیانی.
- _____ (الف. ۱۳۸۶). *آسمان دریا شد*. تهران: قدیانی.
- _____ (ب. ۱۳۸۶). *پرندۀ رو درخته می‌می‌نی شده شلخته*. چ ۱۰. تهران: نشر افق.
- _____ (ج. ۱۳۸۶). *پنیر داداش ماسته / حرف می‌می‌نی راسته*. تهران: نشر افق.
- _____ (د. ۱۳۸۶). *من حس می‌کنم ا (می‌شنوم)*. تهران: قدیانی، کتاب‌های بنفشه.
- _____ (ه. ۱۳۸۶). *می‌می‌نی / تولد و مهمونی*. تهران: نشر افق.
- _____ (و. ۱۳۸۶). *می‌می‌نی الهی بد نبینی*. چ ۱۶. تهران: نشر افق.
- _____ (الف. ۱۳۸۷). *تاتی توی بازهاش ...*. تهران: قدیانی.
- _____ (ب. ۱۳۸۷). *آب بابا ماما*. چ ۸. تهران: قدیانی.
- _____ (الف. ۱۳۸۸). *خروس و گاو و بره، شیمو یه دامپروره*. تهران: پنجره.
- _____ (ب. ۱۳۸۸). *شعرهای من و بابا*. تهران: قدیانی.
- _____ (الف. ۱۳۸۹). *دوزیستان و آبریان*. تهران: پنجره.
- _____ (ب. ۱۳۸۹). *رنگ رنگ چه رنگه*. تهران: پنجره.
- _____ (۱۳۹۰). *رنگ آمیزی و یادگیری کلمه‌های انگلیسی*. تهران: رویش.

- Fazilat, M. (1999). *Persian Poetry Rhythm*. Tehran: Reading and Editing Organization of Universities' Humanities Books. [In Persian]
- Ghasempour Moghadam, H. (2008). *Children and Adolescent Literature with Criticism and Analysis of Poem and Story Samples*. Tehran: Cultural Institute of Ayandegan. [In Persian]
- Jalali, M. (2010). "Prosodic Rhythms in Children Poetry". *Monthly Book of Children and Teenager*. No. 159. Pp. 79- 82. [In Persian]

- Keymanesh, A. (2000). "Analysis of Prosodic Rhythms in the Divan-e Manochchry Damghani and Determination of Rhythm Match with Subjects". *Journal of Literature and Humanities School of Shiraz University. No. 155*. Pp. 335- 356 [In Persian]
- Khanlari, P. (1994). *Persian Poetry Rhythm*. Tehran: Tounes. [In Persian]
- Mir Sadeghi, M. (2009). *Poetic Skill Glossary, Dictionary of Detailed Poetry Manner Expressions and Styles and Their Doctrine*. Tehran: Mahnaz Book. [In Persian]
- Mohammad Beigi, N. (2010). *Knowing the Secret of Children and Adolescent Literature*. Tehran: Tarfand and Sibarg. [In Persian]
- Pournamdarian, T. (2003). *Missing of The Sea, Focusing on Meaning and Form of Hafez Poetry*. Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Salajgheh, P. (2008). *From This Eastern Garden (Criticism Theories of Children and Teenager)*, 2nd Ed. Tehran: Center for Development of Children and Adolescent.
- Shafiqi Kadkani, M. (1994). *Poetry Rhythm*. Tehran: Agah Publishing Institute. [In Persian]
- Vahidian Kamyar, T. (1988). *Verse and Rhythm of Persian Poetry*. Tehran: Center of Academic Publication. [In Persian]
- Zarrinkoub, A. (1967). *No Lies Poetry. Without the Mask, Contain Discussion in Poetic Skills, Style and Criticism of Persian Poetry*. Publishing Organization of Mohammadali Elmi. [In Persian]